

## مطالعه رابطه احتمال ورشکستگی و اجتناب مالیاتی با نقش متغیر تعدیل گر رقابت در بازار محصول

توران رده

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).

eshiri24@gmail.com

اسماعیل شیری

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

eshiri35@gmail.com

شماره ۴۲ / تابستان ۱۴۰۰ (جلد اول) / صص ۸۴-۹۷  
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره چهارم)

### چکیده

هرچه شرکت توانسته باشد کالایی ارزان تر با کیفیت تر و با ویژگی های خاص تولید کند و به شرایطی نزدیک به انحصار رسیده باشد، رفتار اجتناب از پرداخت مالیات بیشتری انجام خواهد داد. شرکت های دارای چنین توانایی قادرند تا به میزان بالاتر و بادوام تر درآمدهای تعهدی خود به منظور حفظ موقعیت در بازار محصول برسند. هدف این پژوهش مطالعه تأثیر رقابت در بازار محصول بر رابطه بین احتمال ورشکستگی و اجتناب مالیاتی است. جامعه آماری پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۴۳ شرکت پذیرفته شده طی سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ است. روش پژوهش توصیفی- پیمایشی و از نظر ارتباط بین متغیرها ترکیبی از علی- همبستگی است و از نظر هدف کاربردی و از لحاظ رویداد، پس رویدادی است. برای پردازش و آزمون فرضیه ها از روش رگرسیونی و داده های تابلویی و همچنین مدل اثرات ثابت استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که احتمال ورشکستگی با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری دارد و رقابت در بازار محصول بر رابطه بین احتمال ورشکستگی و اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**واژه های کلیدی:** رقابت در بازار محصول، اجتناب مالیاتی، احتمال ورشکستگی.

### مقدمه

از نظر مفهومی اجتناب از مالیات به صورت کاهش مالیات های صریح تعریف می گردد (دیرنگ و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). این تعریف تمام معاملاتی را که بر بدهی مالیاتی صریح شرکت اثر دارند، منعکس می کند و بین فعالیت های واقعی با مطلوبیت مالیاتی، فعالیت های اجتنابی که به منظور کاهش مالیات انجام می شوند و لابی هایی که برای کسب مزایای مالیاتی انجام می شوند، تمایز قائل نمی شود (هانلون و هیتزمن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). سهامداران ریسک گریز انتظار دارند مدیران به نمایندگی از آنها بر

<sup>1</sup> Dyrng et al

<sup>2</sup> Hanlon & Hitzman

حداکثرسازی سود تمرکز کرده، که این فراتر از استفاده از فرصت‌های کاهش بدهی مالیاتی است، بنابراین اجتناب از مالیات فی‌نفسه انعکاسی از مشکلات نمایندگی نیست. با این حال، جدایی مالکیت و کنترل می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیم‌های مالیاتی در شرکت شود که منعکس کننده منافع شخصی مدیر است. از این رو چالش پیش‌روی سهامداران و هیئت مدیره، یافتن ترکیبی از مکانیزم‌های کنترلی و انگیزشی به منظور حداقل‌سازی هزینه‌های نمایندگی می‌باشد (جنسن و مک‌لینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶).

در بازاری که حاشیه سود واحدهای اقتصادی به دلیل تشدید رقابت همواره در حال کاهش بوده و همواره فشار برای کاهش بیشتر هزینه‌ها احساس می‌شود. تأمین مالی برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها اهمیت زیادی دارد. محیطی که شرکت‌ها امروزه در آن فعالیت می‌کنند، محیطی در حال رشد و رقابتی است و شرکت‌ها برای ادامه حیات، مجبور به رقابت با عوامل متعدد در سطح ملی و بین‌المللی و بسط فعالیت‌های خود از طریق سرمایه‌گذاری جدید است و برای ادامه حیات و سرمایه‌گذاری احتیاج به منابع مالی دارند. اما منابع مالی و استفاده از آن‌ها باید به خوبی تعیین شود تا شرکت بتواند سودآور باشد و این وظیفه مدیر مالی است که منابع تأمین مالی و نحوه استفاده از آن‌ها را تعیین کند. منظور از رقابتی بودن بازار محصول این است که شرکت‌های مختلف در تولید و فروش کالا رقابت تنگاتنگی دارند و کالاهای آن‌ها نسبت به دیگری برتری چندانی ندارد، زیرا اگر غیر از این باشد، بازار به سمت انحصار یا انحصار چندجانبه تمایل پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، رقابت‌پذیر بودن به این معنی است که شرکت نتوانسته شیوه تولیدی اتخاذ نماید که کالاهای با کیفیت‌تری تولید کند یا کالاهای تولیدی خود را با قیمتی پایین‌تر از سایر رقبا عرضه کند و در نتیجه بازار فروش را در قبضه خود بگیرد؛ لذا رقابتی بودن بازار محصول در جهت عکس انحصاری بودن بازار محصول مطرح می‌گردد. شرکتی که توانسته است به واسطه بهینه‌سازی روش‌های تولیدی، کالاهای با کیفیت‌تری تولید نماید یا کالایی با قیمت‌های پایین‌تر عرضه کند، به شرایطی نزدیک به انحصار رسیده است (خدای پور و برزایی، ۱۳۹۰).

در عصری که شرکت‌ها برای بقا در بازارهای رقابتی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو هستند؛ سلامت مالی و شناسایی عواملی که منجر به بحران‌های مالی می‌شوند از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. درماندگی مالی و ورشکستگی، هزینه‌های زیادی به همراه دارد که صدمه‌های جبران‌ناپذیری را به اقتصاد یک کشور، وارد می‌کند. یکی از راه‌هایی که می‌تواند به جلوگیری از درماندگی مالی کمک شایان توجهی کند، پیش‌بینی ورشکستگی است. در فرهنگ آکسفورد واژه دیستریس<sup>۲</sup> به معنای پریشانی، درد، اندوه، فقدان منابع مالی و تنگدستی آورده شده است. از نقطه نظر اقتصادی، ورشکستگی را می‌توان به زیان‌ده بودن شرکت تعبیر کرد که در این حالت شرکت دچار شکست شده است (احمدپور و همکاران، ۱۳۹۵).

یکی از راه‌هایی که می‌توان با استفاده از آن از می‌توان در زمینه اجتناب مالیاتی بحث کرد و از فرار مالیاتی شرکت جلوگیری نمود، پیش‌بینی ورشکستگی است. به این ترتیب که در وهله اول، با ارائه هشدارهای لازم، می‌توان شرکت‌ها را نسبت به وقوع ورشکستگی هوشیار کرد تا آن‌ها با توجه به این هشدارها، دست به اقدام‌های مقتضی بزنند و دوم اینکه، سرمایه‌گذاران فرصت‌های مطلوب سرمایه‌گذاری را از فرصت‌های نامطلوب تشخیص دهند و منابع‌شان را در فرصت‌ها و مکان‌های مناسب سرمایه‌گذاری کنند. به هر حال نشانه‌های پریشانی مالی خود را به سرعت نشان نمی‌دهند بلکه در میان حجم انبوهی از اطلاعات مالی و غیرمالی خود را مستتر می‌سازند. رمز موفقیت در این زمینه شناسایی به هنگام مشکلات مالی است. یعنی

<sup>1</sup> Jensen & Meckling

<sup>2</sup> Distress

زمانی که صدمه‌های ناشی از این مشکلات اساسی نبوده و شرکت در ورطه نابودی قرار نگرفته باشد. در اینجا است که مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی اهمیت خود را نشان می‌دهند. این مدل‌ها همانند زنگ خطری مشکلات نهفته در ساختار مالی را آشکار می‌کنند و امکان عکس‌العمل به‌موقع را برای مدیران، سرمایه‌گذاران و سایر افراد و مراجع ذی‌نفع فراهم می‌آورند (اعتمادی و فرج‌زاده، ۱۳۸۷).

هرچه شرکت توانسته باشد کالایی ارزان‌تر با کیفیت‌تر و با ویژگی‌های خاص تولید کند و به شرایطی نزدیک به انحصار رسیده باشد، رفتار اجتناب از پرداخت مالیات بیشتری انجام خواهد داد. شرکت‌های دارای چنین توانایی قادرند تا به میزان بالاتر و بادوام‌تر درآمدهای تعهدی خود به منظور حفظ موقعیت در بازار محصول برسند. بنابراین می‌توانند با ترس کمتری نسبت به از دست دادن سهم بازارشان در فعالیت‌های جسورانه‌تر درگیر شوند، بنابراین مشخص است که شرکت‌هایی با چنین وضعیتی بیشتر دست به اقدام‌های جسورانه خواهند زد. یکی از کانون‌های اصلی این پژوهش‌ها، شناسایی عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می‌باشد. هدف پژوهش مطالعه این مسأله است که تا چه اندازه رقابت در بازار محصول بر رابطه بین احتمال ورشکستگی و اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است؟

## مبانی نظری پژوهش

### رقابت در بازار محصول

رقابت‌پذیری قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی است که یک بنگاه، صنعت، منطقه و کشور از آن‌ها برخوردارند و می‌توانند با استفاده از آن‌ها در صحنه بین‌المللی به افزایش سهم بازار، سوددهی بالا برای یک دوره طولانی دست یابند. برای تعریف دیگری از رقابت‌پذیری می‌توان از دیدگاه منابع ایجاد رقابت‌پذیری به آن نظر کرد. براساس دیدگاه منابع ایجاد رقابت‌پذیری سه منبع فن‌آوری، بنگاه و نیروی انسانی باعث ایجاد رقابت‌پذیری هستند، زیرا رقابت‌پذیری با سرچشمه نیروی انسانی بسیار پایدارتر از سایر منابع ایجادکننده رقابت‌پذیری است و از سوی رقبا کمتر می‌تواند مورد تقلید قرار گیرند. رقابت‌پذیری توانایی اقتصادی یک کشور برای ثابت نگه داشتن سهم خود در بازارهای بین‌المللی و یا افزایش سهم خود در بازار هر فعالیتی که انجام می‌دهد است به شرطی که استاندارد زندگی را برای مردم کشور در فرایند رقابت‌پذیری بهبود بخشد و یا دست کم مانع افت این استانداردها شود (عسگری، ۱۳۸۸).

آکیمووا<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) به رقابت‌پذیری به‌عنوان مفهومی چند بعدی نگریسته و آن را در سطح سازمان تعریف می‌کند. رقابت‌پذیری معادل قدرت اقتصادی یک واحد در مقابل رقبا در بازاری است. که در آن کالاها، خدمات، مهارت‌ها و ایده‌ها فراتر از مرزهای جغرافیایی عرضه می‌شوند. رقابت‌پذیری در سطح بنگاه می‌تواند به‌عنوان توانایی بنگاه در طراحی، تولید و بازاریابی محصولات و فروش تعداد بیشتری از آن‌ها در مقایسه با رقبا تعریف شود (صغری و ابراهیمی، ۱۳۹۱).

رقابت‌پذیری یک اقتصاد به رقابت‌پذیری شرکت‌های داخل آن بستگی دارد. با این حال رقابت‌پذیری اقتصاد ملی چیزی فراتر از جمع ساده یا میانگین رقابت‌پذیری شرکت‌های آن می‌باشد. رقابت‌پذیری در سه سطح ملی یا کشوری، صنعت و شرکت مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. رقابت‌پذیری بنگاه: در دو دهه اخیر جامعه شاهد دو مکتب فکری متفاوت در زمینه رقابت‌پذیری بوده است، رویکردهای مبتنی بر فناوری و رویکردهای مبتنی بر شایستگی. فناوری اطلاعات، باعث بهبود

<sup>1</sup> Akimova

کارایی و ایجاد مزیت استراتژیک می‌گردد. براساس رویکرد مبتنی بر شایستگی؛ شرکت‌ها، مهارت‌ها و شایستگی‌های منحصر به فرد خود را از طریق تحکیم و تثبیت داخلی و خارجی شناسایی نموده و تحت کنترل در می‌آورند. به عبارت دیگر، بر مبنای رویکرد مبتنی بر فناوری اطلاعات، فناوری اساس رقابت‌پذیری است، در حالی که مبنای رویکرد دوم، سازمان یادگیرنده می‌باشد که در آن بر قوت‌ها جهت ماندگاری از طریق الگوبرداری و نیز پیش‌بینی و پاسخ‌گویی اثر بخش به تغییرات تأکید می‌شود. گروهی دیگر از محققان بر رابطه بین رقابت‌پذیری و عملکرد سازمانی تمرکز دارند. اسکات<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) رقابت‌پذیری را به‌عنوان توانایی افزایش درآمدها با سرعتی برابر با رقبا و ایجاد سرمایه‌های ضروری جهت رویارویی با آن‌ها در آینده تعریف می‌کند. پیس و استفان<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) در یک تعریف جامع‌تر، رقابت‌پذیری را بدین شرح بیان می‌کنند: رقابت‌پذیری به معنی توانایی سازمان در جهت ماندگاری در کسب‌وکار و محافظت از سرمایه‌های سازمان، به دست آوردن (بازگشت) سرمایه‌ها، و تضمین شغل‌ها در آینده می‌باشد (اردکانی و حدادیان، ۱۳۹۲).

امروزه با این که هیچ کمبودی در کمیّت تعاریف رقابت‌پذیری وجود ندارد، ولی هم‌چنان مشکل اصلی، عدم وجود تعریف جامعی از آن است. برخی رقابت‌پذیری را یک پدیده کلان اقتصادی و ناشی از عواملی چون نرخ ارز، نرخ بهره و کسری بودجه کشورها می‌دانند؛ اما براساس بررسی‌ها و مطالعات انجام شده، کشورهایی هستند که با وجود برخورداری از کسری بودجه و نرخ بالای بهره، موفقیت اقتصادی و موضع رقابتی خوبی دارند. دیدگاه دیگر، رقابت‌پذیری را محصول وفور نیروی کار و ارزان بودن دستمزدها در کشور می‌داند، اما در اینجا نیز کشورهایی وجود دارند که علی‌رغم کمبود نیروی کار و گرانی دستمزدها (آلمان، ژاپن و...)، از اقتصادهای موفق جهان محسوب می‌شوند. دیدگاهی دیگر رقابت‌پذیری را تابعی از غنای کشورها از نظر برخورداری از منابع طبیعی می‌داند؛ ناقض این دیدگاه کشورهایی چون آلمان، ژاپن، سوئیس، ایتالیا و کره هستند که با وجود برخورداری اندک از منابع طبیعی و لزوم واردات مواد اولیه و خام برای حفظ موضع رقابتی خود، به موفقیت‌های شایان توجهی دست یافته‌اند. رقابت‌پذیری از واژه کامپیوتر گرفته شده است و معنای آن مشارکت در تجارت به‌منظور تسخیر بازار است. طبق تعریف مارتز<sup>۳</sup>، رقابت‌پذیری معادل قدرت اقتصادی که واحد در مقابل رقبایش در بازاری است که کالاها، خدمات، مهارت‌ها و ایده‌ها به راحتی فراتر از مرزهای جغرافیایی عرضه می‌شود. رقابت‌پذیری در سطح بنگاه می‌تواند به‌عنوان توانایی بنگاه در طراحی، تولید و بازاریابی محصولات و فروش آن‌ها بیشتر از رقبا تعریف شود. به اعتقاد کریستنسن<sup>۴</sup> از مدرسه بازرگانی دانشگاه هاروارد<sup>۵</sup>، وقتی دولت‌ها قادر به رقابت‌ند که بنگاه‌هایشان بتوانند با هم رقابت کنند. پورتر معتقد است که بنگاه است که در بازار رقابت می‌کند و نه دولت. مجمع اقتصاد جهانی<sup>۶</sup>، رقابت‌پذیری را توانایی اقتصاد ملی در پایداری رشد و یا حفظ استاندارد زندگی (درآمد سرانه) می‌داند. از نظر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه<sup>۷</sup>، رقابت‌پذیری یعنی توانایی تولید کالاها و خدمات یک ملت برای ارائه در بازارهای بین‌المللی و به‌طور هم‌زمان حفظ و یا ارتقای سطح درآمد شهروندان در بلندمدت. از دیدگاه آنکتاد<sup>۸</sup>، واضح‌ترین نگرش به رقابت‌پذیری از مسیر مقایسه عملکرد

<sup>1</sup> Scott

<sup>2</sup> Pace and Stephen

<sup>3</sup> Martz

<sup>4</sup> Christensen

<sup>5</sup> Harvard

<sup>6</sup> WEF

<sup>7</sup> OECD

<sup>8</sup> Unctad

اقتصاد کلان و اقتصاد زندگی جامعه براساس بهره‌وری عوامل تولید به دست می‌آید. مفهوم دقیق رقابت پذیری در این دیدگاه توانایی کشورها در فروش محصولات شان در بازارهای جهانی است. به عقیده مؤسسه مدیریت توسعه، رقابت‌پذیری ملی به مفهوم اجتماع ساده نگاه‌های انفرادی نیست، بلکه نتیجه عوامل متعددی نظیر نحوه هدایت اقتصاد توسط دولت، سیاست‌های اجتماعی و مکانیزم ایجاد ارزش است (صفری و ابراهیمی، ۱۳۹۱).

#### احتمال ورشکستگی

با گسترش شرکت‌های سهامی مسائل و مشکلات مرتبط از آن نیز به وجود آمد. مهم‌ترین مشکل، مربوط به این مسأله بود که شرکت‌هایی که سرمایه‌گذار خواهان سرمایه‌گذاری در آنها است چه مقدار احتمال دارد که دچار ورشکستگی و اصل و فرع سرمایه سهامداران از بین برود. در ادبیات مالی واژه‌های غیر متمایزی برای ورشکستگی وجود دارد. برخی از این واژه‌ها عبارتند از: وضع نا مطلوب مالی، شکست، عدم موفقیت واحد تجاری، وخامت، درماندگی مالی، عدم توان پرداخت دیون و... دان و براد استریت<sup>۱</sup> اصطلاح شرکت‌های ورشکسته را این طور تعریف می‌کنند: واحد های تجاری که عملیات تجاری که عملیات خود را به علت واگذاری یا درماندگی مالی یا توقف انجام عملیات تجاری یا زیان توسط بستانکاران، متوقف نمایند.

۱) ورشکستگی از نظر قانونی: ماده ۴۱۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۱۳ ورشکستگی را تعریف نموده و می‌گوید: ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری، در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود. تعریف مذکور در واقع مبین عوامل و عناصر موجد ورشکستگی است. بنابراین با توجه به متون قانونی موجود، می‌توان ورشکستگی را چنین تعریف نمود: ورشکستگی عبارت است از درماندگی تاجر یا شرکت تجاری در انجام عملیات تجاری که با از دست دادن توانایی پرداخت دیون و عدم توانایی در اقدام به تعهدات خود بلا اعتبار گشته است (افتخاری، ۱۳۷۹).

در مجموع در مقایسه با مقررات مربوط به «ورشکستگی» به تفاوت‌هایی در مفاهیم اصطلاحات «ورشکستگی» و «اعسار» برخورد شده است که ذکر این تفاوت‌ها ضروری می‌باشد. وقتی کاسی در معاملات خود بدهکار می‌شود و قادر به تأدیه به موقع بدهی خود نیست، در اصطلاح گفته شده است «معسر» است. وقتی یک شرکت تجاری قادر نیست که نسبت به تعهدات مالی خود در قبال طرفه‌ای داخلی و خارجی خویش به موقع عمل کند، در اصطلاح قانونی گفته شده است «متوقف» و «ورشکسته» است (اسکینی، ۱۳۹۵).

بدین جهت جهت افتراق این دو اصطلاح ذیل تشریح می‌گردد:

ورشکستگی مترادف توقف تاجر از تأدیه دیون و تعهدات خود اوست. ولی قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ تعریفی که از معسر کرده، افلاس و افسار را به یک معنا و مفهوم به کار برده است که عبارت است از عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود غیرتاجر برای تأدیه دیون.

اصطلاح ورشکستگی درباره تاجر متوقف کاربرد دارد، ولی اصطلاح اعسار ناظر به غیر تاجر است که دسترسی به مال خود نداشته و یا دارایی او کفاف پرداخت دیونش را ندهد.

ورشکستگی نیازی به رسیدگی و احراز اینکه دارایی ورشکسته کمتر از بدهی اوست نمی‌باشد و به محض توقف تاجر از پرداخت دیون و تعهدات خود، ورشکستگی او اعلام می‌شود. ولی در اعسار، رسیدگی به این امور ضروری است که: «آیا دیون

<sup>1</sup> Don & Brad Street

او بیش از دارایی اوست و در واقع دارایی او کفایت پرداخت دیونش را نمی‌دهد، یا در واقع برای پرداخت دیون خود، دسترسی به مال خود ندارد» (افتخاری، ۱۳۷۹).

۲) ورشکستگی از نظر حسابداری: به دو صورت زیر امکان‌پذیر است:

الف- ورشکستگی فعالیت: اگر ارزش دارایی‌های شرکت کمتر از بدهی‌های آن شرکت گردد ولی شرکت به فعالیتش تداوم بخشد یک نوع ورشکستگی روی داده است که به ورشکستگی فعالیت معروف است. در این ورشکستگی نشانه‌ای آشکار از عملیات غیرسودآور شرکت وجود دارد اما شرکت به هر نحو به فعالیتش ادامه می‌دهد.

ب- ورشکستگی نقدینگی: این نوع از ورشکستگی بدین صورت است که سررسید بدهی‌های شرکت برسد و شرکت توانایی پرداخت آن‌ها را نداشته باشد. این نوع ورشکستگی بیشتر روی می‌دهد.

دو نوع ورشکستگی که در بالا توضیح داده شد دارای چارچوب نظری متفاوتی هستند، که تشکیل‌دهنده نسبت‌های مالی برای ایجاد مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی هستند. با توجه به اینکه ورشکستگی نقدینگی بیشتر روی می‌دهد نسبت‌های نقدینگی در ساختار مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی از دید ارائه‌دهندگان این مدل‌ها پنهان مانده و مورد استفاده زیاد قرار گرفته‌اند به طوری که اکثر مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی دارای متغیر یا متغیرهایی که برگرفته از نسبت‌های نقدینگی هستند می‌باشند. به‌طور طبیعی فرآیندهای ورشکستگی نقدینگی که به دلیل کاهش وجوه نقد شرکت می‌باشند ممکن است مرتبط با ورشکستگی فعالیت باشد و بالعکس (عرفانی، ۱۳۷۹).

۳) ورشکستگی از نظر حقوق بین‌الملل: هرچند به دلالت آمار، موارد ورشکستگی بین‌المللی از ورشکستگی داخلی بسیار کمتر است، اما از آنجا که ورشکستگی‌های بین‌المللی متضمن آثار مالی بسیار مهمی است و پای کشورهای مختلف (طلب‌کاران) به میان کشیده می‌شود، مطالعه آن‌ها حتی به طور مختصر حائز اهمیت است. اهمیت مسأله وقتی آشکار می‌شود که دانسته شود به دلیل اختلاف در مقررات ملی راجع به ورشکستگی و نیز مقررات ملی راجع به شعبات دیگر حقوق داخلی کشورها (مانند حقوق اشخاص، اموال و تعهدات شرکت‌ها و حقوق راجع به اسناد تجاری)، که اجرای حکم ورشکستگی مستلزم آن‌هاست، اجرای حکم با اشکالات و موانع عدیده مواجه خواهد شد. برای رفع این مشکلات کشورهای مختلف، با وضع مقررات داخلی و تلاش در تدوین ابزارهای حقوقی بین‌المللی، سعی دارند در حقوق راجع به ورشکستگی وحدت ایجاد کنند. جالب است دانسته شود که حقوق ایران راجع به اینکه حکم ورشکستگی صادر شده از دادگاه خارجی چه اثری در ایران خواهد داشت، نصی ندارد (نصیری، ۱۳۸۰).

۴) درماندگی مالی از نظر حقوقی:

ورشکستگی اجباری: در درماندگی مالی اجباری حداقل سه نفر از طلبکاران که مطالبات آن‌ها از مبلغ تجاوز نماید می‌توانند طرح دعوی کند.

درماندگی مالی اختیاری: در درماندگی مالی اختیاری شخص با طرح دعوی در دادگاه اعلام درماندگی مالی خود را درخواست می‌کند.

اجتناب مالیاتی

نرخ مؤثر مالیاتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کارایی مالیاتی کاربردهای گسترده‌ای در اقتصاد و حسابداری دارد. نرخ مؤثر مالیاتی عبارتست از نرخ واحد که براساس آن از فعالیت مشمول مالیات، مالیات اخذ می‌شود. به عبارت دیگر، این نرخ از تقسیم مالیات بخش موردنظر بر پایه درآمد آن بخش حاصل می‌گردد. از گذشته تاکنون مدیران در پی کمینه‌سازی نرخ

مؤثر مالیاتی در بلندمدت، در راستای مدیریت مالیات بوده‌اند. چنانچه مدیر بتواند نرخ موثر مالیات را در بلندمدت کاهش داده و مالیات کمتری پرداخت کند، مالیات را مدیریت نموده است هرچه این امر بهتر انجام شود، عملکرد بهتری را برای مدیریت شرکت در پی خواهد داشت؛ زیرا منجر به افزایش سود خالص پس از مالیات و همچنین کاهش جریان‌های نقدی خروجی از بابت مالیات خواهد شد. همچنین، نرخ‌های موثر مالیاتی شرکت‌ها، اغلب توسط سیاست‌گذاران و گروه‌های ذی‌نفع به‌عنوان ابزاری برای نتیجه‌گیری پیرامون سیستم‌های مالیاتی شرکت‌های مختلف استفاده می‌شود؛ زیرا نرخ مزبور اطلاعات مناسب و خلاصه‌از اثرات تجمعی معافیت‌های مالیاتی مختلف و تغییرات در نرخ‌های مالیاتی شرکت‌ها را فراهم می‌آورد (پورحیدری و سروستانی، ۱۳۹۳).

موضوع مالیات بر درآمد عملکرد، بخش مهمی از حوزه ادبیات مالی و اقتصادی هر کشور محسوب می‌شود. به‌طوری‌که قسمت عمده‌ای از تأمین مالی بودجه دولت‌ها از طریق درآمدهای مالیاتی و به‌ویژه مالیات بر عملکرد تأمین می‌شود. اهمیت این موضوع تا آنجاست که هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، استاندارد شماره ۱۲ خود را با عنوان مالیات بر عملکرد<sup>۲۰</sup> به این موضوع اختصاص داده است. در این راستا پرداخت مالیات نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ به‌طوری‌که همیشه دولت‌ها درصددند تا با وضع قوانین موضوعه، موجبات این امر را فراهم کنند. لکن، مودیان مالیاتی بنا به دلایل مختلف از طرق اجتناب مالیاتی و یا فرار مالیاتی سعی در پرداخت مالیات کمتری دارند. با توجه به این مطالب موضوع نرخ موثر مالیاتی مطرح می‌شود. نرخ موثر مالیاتی، میزان مالیات پرداخت شده توسط مودیان را با در نظر گرفتن سود حسابداری یا سود مشمول مالیات اندازه می‌گیرد (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۳). از سویی دیگر یکی از ویژگی‌های بارز اقتصادی شرکت‌ها، چرخه‌عمر متفاوت آن‌ها می‌باشد و طبق تئوری چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر از نظر مالی و اقتصادی دارای نمودگرها و رفتارهای خاصی هستند.

### پیشینه پژوهش

پیرایش و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی ارائه مدل ریاضی پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج آزمون در ارتباط با توانایی پیش‌بینی مدل نشان‌دهنده این واقعیت هست که مدل می‌تواند دو سال قبل از وقوع ورشکستگی در شرکت‌ها، پیش‌بینی صحیحی در خصوص وجود بحران و ورشکستگی ارائه کند. با دوری از زمان وقوع ورشکستگی بدلیل کم‌رنگ شدن شاخص‌های پیش‌بینی کننده ورشکستگی، از توان پیش‌بینی مدل کاسته می‌شود. که نتایج پیش‌بینی برای یک سال قبل از ورشکستگی ۹۱ درصد و برای دو سال قبل از ورشکستگی ۸۳ درصد می‌باشد.

سرداری و ابری (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان ورشکستگی با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که ریسک ورشکستگی با اندازه شرکت، نقدینگی، بازده دارایی‌ها و بازده فروش رابطه منفی دارند. همچنین ریسک ورشکستگی با اهرم بدهی رابطه مثبت دارد. در حالت عدم تقارن اطلاعاتی و تقارن اطلاعاتی به‌طور تقریبی نتایج مشابهی به‌دست آمده است.

مشکی و هاشمی (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی سازوکارهای حاکمیت شرکتی با احتمال وقوع ورشکستگی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از پنج مکانیزم حاکمیت شرکتی مورد بررسی در این پژوهش، مکانیزم‌های نوع گزارش حسابرس، میزان پاداش هیات مدیره، نسبت مالکیت نهادی و استقلال هیات مدیره با

احتمال وقوع ورشکستگی دارای رابطه معنادار و منفی می‌باشد؛ با این وجود هیچ‌گونه رابطه معنی داری بین متغیر اندازه هیأت مدیره با احتمال وقوع ورشکستگی مشاهده نشد.

شکور و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداختند و نتایج فرضیه‌ها حاکی از آن است که وقتی از معیار نرخ موثر مالیاتی دفتری برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی استفاده می‌شود یک رابطه منفی و معنی‌دار و وقتی از معیار نرخ موثر مالیاتی نقدی برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی استفاده می‌شود یک رابطه مثبت و معنی‌دار بین توانایی مدیریت و اجتناب مالیاتی وجود دارد. نتایج بیانگر آن است که مدیران توانا کمتر در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت می‌کنند ولی در هنگام پرداخت مالیات از سیاست‌های تعویق در پرداخت مالیات و مشوق‌های مالیاتی استفاده می‌کنند. اندرس<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی یک مدل ترکیبی را برای پیش‌بینی ورشکستگی ارائه کردند که خوشه‌بندی فازی<sup>۲</sup> و اسپلاین‌های رگرسیونی انطباقی چند متغیره<sup>۳</sup> را با هم ترکیب می‌کرد. آن‌ها از تحلیل تشخیصی، اسپلاین رگرسیونی انطباقی چند متغیره و شبکه‌های عصبی به‌عنوان مدل‌های مقایسه‌ای استفاده کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که عملکرد مدل ترکیبی از سیستم‌های دیگر بهتر است.

برانو<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۶)، در پژوهشی به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و ورشکستگی با توجه به میزان بدهی پرداختند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد شرکت‌های با حاکمیت شرکتی بهتر، هزینه بدهی کمتر و اعتبار بیشتری دارند و در ضمن نظارت بیشتر و اجرای قوانین سخت‌تر در رابطه با ورشکستگی تأثیرات مثبتی بر میزان بدهی‌ها دارد.

آرمسترانگ و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۶)، در پژوهشی به بررسی حاکمیت شرکتی و تعدیل سیاست‌های اجتناب مالیاتی پرداختند و نشان دادند حاکمیت شرکتی به تعدیل سیاست‌های اجتناب از پرداخت مالیات منجر می‌شود. به بیان دیگر، افزایش نظارت بر عملکرد شرکت از طریق سهامداران عمده، سطوح پایین اجتناب از پرداخت مالیات (سیاست‌های محافظه‌کارانه) را افزایش داده و سطوح بالای اجتناب از پرداخت مالیات (سیاست‌های متهورانه) را کاهش می‌دهد. این نتایج به‌طور خلاصه نشان می‌دهد نقدشوندگی سهام، عاملی بازدارنده در استفاده مدیریت از برنامه‌های مالیاتی بیش از حد متهورانه یا بیش از حد محافظه‌کارانه است.

چن و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۶)، در پژوهشی سطح اجتناب از مالیات شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی را با یکدیگر مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های خانوادگی نسبت به رقبای خود از پرداخت مالیات کمتر اجتناب می‌کنند. منظور از شرکت‌های خانوادگی، شرکت‌هایی هستند که اعضای خانواده‌ی مؤسس شرکت، اعم از نسبی و سببی، در مقام مدیریت ارشد، هیئت مدیره یا سهامداران عمده و بلوکی به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

ریچاردسون<sup>۷</sup> (۲۰۱۶)، در پژوهشی به بررسی حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی پرداختند و به این نتیجه رسید که تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره، رابطه منفی و معناداری با رویه مالیاتی متهورانه دارد. به بیان دیگر، هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره بیشتر باشد، شرکت کمتر به مدیریت مالیات روی می‌آورد.

<sup>1</sup> Andrés & et al

<sup>2</sup> fuzzy clustering

<sup>3</sup> Multivariate Adaptive Regression Splines (MARS)

<sup>4</sup> Bruno

<sup>5</sup> Armstrong & et al

<sup>6</sup> Chen & al

<sup>7</sup> Richardson



### فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و همچنین به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، فرضیه ذیل ارائه می‌گردد. رقابت در بازار محصول بر رابطه بین احتمال ورشکستگی و اجتناب مالیاتی تأثیر معنادار دارد. الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چند متغیره است. بنابراین، مدل زیر برای انجام آزمون فرضیه انتخاب شده است: معادله (۱).

$$LEV_{it} = \beta_0 \pm \beta_1 HHI_{it} \pm \beta_2 Bankruptcy_{it} \pm \beta_3 HHI_{it} * Bankruptcy_{it} \pm \beta_4 SIZE_{it} \pm \beta_5$$

که در معادله فوق:

ETR شاخص اجتناب مالیاتی شرکت i در سال t؛

Bankruptcy شاخص ورشکستگی شرکت i در سال t؛

HHI شاخص رقابت در بازار محصول شرکت i در سال t؛

SIZE اندازه شرکت i در سال t؛

LEV اهرم مالی شرکت i در سال t؛

تعریف متغیرها به صورت عملیاتی به شرح جدول (۱) زیر است:

جدول (۱): نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

| نام متغیر            | نوع متغیر | نحوه اندازه‌گیری  |
|----------------------|-----------|---|
| رقابت در بازار محصول | تعدیل‌گر  | $HHI_{jt} = \sum_{j=1}^{N_j} S_{ijt}^2$   |
| احتمال ورشکستگی      | مستقل     | مدل آلتمن   |
| اجتناب مالیاتی       | وابسته    | $\frac{\sum_{i=1}^n \text{مالیات نقدی پرداختی}}{\text{"سود حسابداری قبل از مالیات"}}$ |
| اندازه شرکت          | کنترلی    | Ln (تعداد سهام قیمت سهام)   |
| اهرم مالی            | کنترلی    | کل دارایی‌ها/بدهی جاری  |

### روش شناسی پژوهش

با توجه به این که داده‌ها مربوط به اطلاعات شرکت‌های واقعی بوده و نتایج آن می‌تواند راه‌گشای تصمیم‌های فعالان بازار سرمایه قرار گیرد از این رو پژوهش کاربردی محسوب می‌گردد. از طرف دیگر به دلیل این که رابطه علی و معلولی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، لذا از لحاظ انجام، علی پس از وقوع است. از لحاظ نحوه اجرا توصیفی و از لحاظ ارتباط بین متغیرها از نوع همبستگی است. و از نوع جمع‌آوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های کمی و از لحاظ زمان اجرا گذشته‌نگر و همچنین منطق اجرا استقرایی می‌باشد. مقیاس اندازه‌گیری داده‌های جمع‌آوری شده، مقیاس نسبی است. مقیاس نسبی دارای کلیه ویژگی‌های مقیاس‌های فاصله‌ای، ترتیبی و اسمی است. مقیاس نسبی، دقیق‌ترین مقیاس اندازه‌گیری است. این مقیاس دارای ارزش صفر حقیقی می‌باشد. یعنی نقطه‌ای در مقیاس که نمایانگر فقدان کامل ویژگی مورد اندازه‌گیری است.

جامعه پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ که بالغ بر ۵۳۵ شرکت است، در نظر گرفته شده است. در این پژوهش از حذف سیستماتیک جهت انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است. با توجه به محدودیت‌ها ۱۴۳ شرکت به عنوان نمونه‌ی پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند. به‌طور کلی اطلاعات و داده‌های این پژوهش با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و اسناد سازمانی گردآوری شده است.

### یافته‌های پژوهش

توصیف اطلاعات گردآوری شده یکی از فرآیندهای پژوهش در بخش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش است که گزارش آنها در پژوهش، مهم است. داده‌های پژوهش با استفاده از منابع اطلاعاتی دست دوم گردآوری و دسته‌بندی شده است. توصیف اطلاعات و داده‌های آماری با توجه به مقیاس‌های اندازه‌گیری انتخاب می‌گردد. بنابراین در این بخش در مورد ویژگی‌های نمونه آماری و شاخص‌های مربوط به صورت‌های مالی اعضای نمونه آماری بحث و بررسی صورت گرفته است که در ادامه به آنها در دو بخش جداگانه پرداخته شده است. به‌طور کلی، روش‌هایی را که به‌وسیله آنها می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می‌نامند. لازم به ذکر است که پس از حذف داده‌های پرت و مرتب‌سازی داده‌ها، تعداد شرکت-سال‌های متغیرهای پژوهش با اندکی کاهش مواجه شده است.

جدول (۲): شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

| متغیرهای پژوهش       | نماد       | تعداد | میانگین | میان  | انحراف معیار | حداکثر | حداقل  |
|----------------------|------------|-------|---------|-------|--------------|--------|--------|
| اجتناب مالیاتی       | ETR        | ۷۱۵   | ۰/۶۲۸   | ۰/۵۹۴ | ۰/۱۳۲        | ۱/۰۰۰  | ۰/۰۰۲  |
| احتمال ورشکستگی      | Bankruptcy | ۷۱۵   | ۰/۲۰۱   | ۰/۱۹۴ | ۰/۲۰۰        | ۳/۷۷۱  | -۱/۸۲۶ |
| رقابت در بازار محصول | HHI        | ۷۱۵   | ۰/۱۲۷   | ۰/۱۱۹ | ۰/۰۳۸        | ۰/۲۶۹  | ۰/۰۴۳  |
| اهرم مالی            | LEV        | ۷۱۵   | ۰/۳۶۲   | ۰/۳۲۷ | ۰/۱۵۲        | ۰/۸۶۴  | ۰/۰۶۴  |
| اندازه شرکت          | SIZE       | ۷۱۵   | ۱۲/۲۶   | ۱۲/۱۰ | ۲/۴۲۱        | ۱۶/۷۹  | ۵/۳۸۰  |

در مطالعه حاضر روش برآورد مدل براساس داده‌های تابلویی است. این روش تلفیقی از اطلاعات سری زمانی (۱۳۹۴-۱۳۹۸) و داده‌های مقطعی ۱۴۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار) می‌باشد. تمامی ارقام محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای مدل بر حسب میلیون ریال می‌باشد. برنامه‌ی نرم‌افزاری مورد استفاده در این پژوهش، برنامه نرم‌افزاری ایویوز ۹ می‌باشد. مدل‌های برآورد شده با توجه به فرضیه‌های ارائه شده به صورت مدل رگرسیون چندمتغیره ارائه شده‌اند.

جدول (۳): نتایج آزمون چاو، جهت تشخیص همگن یا ناهمگن بودن مقاطع

| آزمون مدل | F      | احتمال آماره F | نتیجه آزمون چاو |
|-----------|--------|----------------|-----------------|
| مدل پژوهش | ۳۵/۶۷۹ | ۰/۰۰۰۰         | H0 رد می‌شود    |

همان‌گونه که در جدول (۳)، دیده می‌شود، نتیجه آزمون چاو، نشان می‌دهد که احتمال به‌دست آمده برای آماره F در مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین برای آزمون این مدل‌ها، داده‌ها به‌صورت تابلویی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

## آزمون هاسمن

در این آزمون از آماره  $\chi^2$  دو با  $K$  درجه آزادی استفاده می‌شود اگر چنانچه دو بدست آمده از مقدار جدول بیشتر بود،  $H_0$  مبنی بر تصادفی بودن رد می‌شود و فرضیه آثار ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن، جهت تشخیص استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی

|           |             |              |             |
|-----------|-------------|--------------|-------------|
| آزمون مدل | مقدار آماره | احتمال آماره | نتیجه آزمون |
| مدل پژوهش | ۵۲/۸۳۰      | ۰/۰۰۰۰       | اثرات ثابت  |

در این آزمون  $H_0$  بر مدل پانل دیتا با اثرات تصادفی و فرضیه مقابل بر مدل پانل دیتا با اثرات ثابت دلالت دارد. اگر آماره آزمون هاسمن بزرگ‌تر از مقادیر بحرانی‌اش و یا آماره احتمال آن (prob) کوچک‌تر از ۵ درصد باشد  $H_0$  رد، و باید از مدل اثرات ثابت استفاده شود.

طبق نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل پژوهش، با توجه به اینکه در آزمون ۵ درصد میزان آماره هاسمن برای مدل پژوهش (۵۲/۸۳۰) شده است و از طرفی میزان سطح معناداری کمتر از ۵ صدم است، لذا  $H_0$  رد می‌شود. رد  $H_0$  نشان می‌دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می‌باشد و بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود.

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه

| نام متغیر                    | نماد متغیر                 | ضریب     | انحراف معیار | آماره t | Prob.  |
|------------------------------|----------------------------|----------|--------------|---------|--------|
| مقدار ثابت                   | C                          | ۰/۶۶۰    | ۰/۴۸۷        | ۱/۳۵۵   | ۰/۰۰۳۷ |
| رقابت در بازار محصول         | $\beta_1$ (HHI)            | -۰/۱۵۹   | ۰/۰۳۳        | -۴/۷۴۲  | ۰/۰۰۰۴ |
| احتمال ورشکستگی              | $\beta_2$ (Bankruptcy)     | ۰/۲۴۷    | ۰/۰۹۶        | ۲/۵۷۲   | ۰/۰۰۹۸ |
| رقابت بازار*احتمال ورشکستگی  | $\beta_3$ (HHI*Bankruptcy) | ۰/۰۶۲    | ۰/۰۲۵        | ۲/۴۲۳   | ۰/۰۱۱۵ |
| اندازه شرکت                  | $\beta_4$ (SIZE)           | ۰/۱۰۱    | ۰/۰۴۸        | ۲/۰۸۵   | ۰/۰۰۰۱ |
| اهرم مالی                    | $\beta_5$ (LEV)            | -۰/۳۶۸   | ۰/۱۹۳        | -۱/۹۰۴  | ۰/۰۰۰۰ |
| آماره F                      |                            | ۳۰/۹۶۶   |              |         |        |
| سطح معنی‌داری (Prob.)        |                            | (۰/۰۰۰۰) |              |         |        |
| آماره دوربین واتسون          |                            | ۱/۹۲۵    |              |         |        |
| ضریب تعیین (R2)              |                            | ۰/۳۷۴    |              |         |        |
| ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2) |                            | ۰/۳۵۹    |              |         |        |

با توجه به نتایج آزمون مدل پژوهش، سطح معنی‌داری آماره F (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطا بوده و کل مدل رگرسیونی معنی‌دار است. آماره دوربین واتسون (۱/۹۲۵) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن (P-Value) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب  $\beta_3$  نتایج آزمون نشان می‌دهد رقابت در بازار محصول بر رابطه بین احتمال ورشکستگی و اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد، بنابراین  $H_0$  پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین با توجه به سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش

برای ضریب  $\beta_4$  نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اندازه شرکت با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معناداری دارد و سطح معناداری آماره  $t$  از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب  $\beta_5$  نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اهرم مالی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته‌اند ۳۵ درصد از تغییرهای متغیر وابسته را توضیح دهند.

### نتیجه‌گیری کلی

مدیریت مالیات به اقدام‌ها و توانایی مدیر در راستای پرداخت مالیات در بلندمدت اشاره دارد. مدیریت مالیات را توانایی در پرداخت مالیات کمتر در بلندمدت تعریف کرده‌اند. شرکتی که به دنبال مدیریت مالیات و حداقل‌سازی هزینه مالیات می‌باشد، در واقع رویه‌ای متهورانه پیرامون مالیات در پیش گرفته است. اجتناب از پرداخت مالیات به دلیل پیامدهای اقتصادی فراوانی که دارد توجه بسیاری از پژوهش‌ها را به خود معطوف کرده است و پژوهش‌های زیادی در مورد عوامل تأثیرگذار بر اجتناب از پرداخت مالیات انجام شده است که بیشتر این پژوهش‌ها به بررسی عوامل درون سازمانی مؤثر بر این فعالیت پرداخته‌اند. هدف پژوهش حاضر مطالعه تأثیر رقابت در بازار محصول بر رابطه بین احتمال ورشکستگی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در بازه زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸ انجام گرفته است. تأثیر متغیر مستقل با استفاده از داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت در شرکت‌ها بررسی شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رقابت در بازار محصول بر رابطه بین احتمال ورشکستگی و اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد در تبیین این نتیجه می‌توان بیان نمود که اجتناب مالیاتی فرایندی است که از طریق آن شرکت‌ها اقدام به کاهش پرداخت‌های ناشی از مالیات به درآمد سازمان‌های مالیاتی می‌کنند. پرداخت مالیات منجر به کاهش سود و وجوه نقد باقی‌مانده برای سایر ذی‌نفعان شرکت از جمله سهامداران می‌شود. از این رو طبیعی است این انگیزه وجود داشته باشد تا شرکت و سهامداران آن اقدام‌هایی را جهت اجتناب از پرداخت مالیات انجام دهند. همچنین زمانی که شرکت‌ها تحت درماندگی مالی قرار می‌گیرند مزایای اجتناب مالیاتی نسبت به هزینه‌های آن موجب افزایش این انگیزه می‌شود. هرچه شرکت توانسته باشد کالایی ارزان‌تر با کیفیت‌تر و با ویژگی‌های خاص تولید کند و به شرایطی نزدیک به انحصار رسیده باشد، رفتار اجتناب از پرداخت مالیات بیشتری انجام خواهد داد. شرکت‌های دارای چنین توانایی قادرند تا به میزان بالاتر و بادوام‌تر درآمدهای تعهدی خود به منظور حفظ موقعیت در بازار محصول برسند. بنابراین می‌توانند با ترس کمتری نسبت به از دست دادن سهم بازارشان در فعالیتهای جسورانه تر درگیر شوند، بنابراین مشخص است که شرکت‌هایی با چنین وضعیتی بیشتر دست به اقدام‌های جسورانه خواهند زد. با توجه به نتیجه تحلیل داده‌ها می‌توان بیان نمود که هرچه رقابت در بازار محصول بیشتر باشد و شرکت‌های زیادی در تولید و فروش یک نوع محصول باهم در رقابت باشند شرکت‌ها بیشتر خود را درگیر فعالیتهای اجتناب از پرداخت مالیات می‌کنند. شرکت‌هایی که در صنایع رقابتی فعالیت می‌کنند بیشتر در معرض شوک‌های بازار قرار دارند و رفتار یک شرکت تک مالکی می‌تواند کل بازار را تحت تأثیر قرار دهد. به طور کلی، شرکت‌هایی که تحت فشار رقابتی بیشتر قرار دارند انگیزه بیشتری برای جلوگیری از پرداخت مالیات به منظور حفظ منابع مالی برای شرایط اضطراری و همچنین سرمایه‌گذاری در مواقع لزوم دارند. بنابراین، شرکت در صنایع رقابتی‌تر و در موقعیت به نسبت زیان‌آور در صنعت باید انگیزه قوی‌تری برای اجتناب از پرداخت مالیات داشته باشند.

### پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش

با توجه به نتایج فرضیه پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که جهت انجام سرمایه‌گذاران به عواملی همچون احتمال ورشکستگی و اجتناب مالیاتی شرکت توجه نمایند چون عامل مهمی در کسب بازده و سود بیشتر است. به تدوین‌کنندگان استانداردها و نیز قانون‌گذاران سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود، که با طرح‌ریزی و اجرای حسابرسی‌های مؤثر و کارآمد زمینه شناسایی و گزارش به موقع بحران‌های مالی موجود پنهان در شرکت‌ها را با مراجع ذیربط و مدیران مالی شرکت‌ها فراهم نمایند. تا با آگاهی و اقدام‌های به موقع از بروز مراحل بعدی درماندگی مالی جلوگیری گردد.

با توجه به نتایج فرضیه پژوهش پیشنهاد می‌گردد، نهادهای قانون‌گذار، در تدوین قوانین و مقررات مربوط به انجام امور نظارتی در صناعی که رقابت کمتری در آن‌ها وجود دارد توجه بیشتری نمایند، و قوانین سخت‌گیرانه‌تری را برای جلوگیری از فعالیت‌هایی که موجب فرار مالیاتی یا فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات غیرقانونی در شرکت‌های مزبور می‌شود، در نظر گیرند و مدیران شرکت‌ها را ملزم کند تا رویه‌ها و ارقام مالیاتی خود را به صورت شفاف‌تری افشاء کنند. علاوه بر این، قوانین مالیاتی که امکان کاهش مالیات یا گریز از مالیات را برای مؤدی فراهم می‌سازند شناسایی، بررسی و نسبت به آن‌ها تجدید نظر شود. به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود به میزان تمرکز در بازار سرمایه توجه ویژه‌ای داشته باشند، زیرا در چنین محیطی (کمتر رقابتی) نیاز به تجزیه و تحلیل و کاوش بیشتر به منظور کسب اطلاعات شفاف وجود دارد.

### منابع

- ✓ احمدپور، احمد، شهسواری، معصومه، عموزادخلیلی، علیرضا، (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مؤثر بر ریسک ورشکستگی مالی شرکت‌ها، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۹-۳۴.
- ✓ اعتمادی، حسین، فرج‌زاده، حسن، (۱۳۸۷)، مروری بر مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی، مجله حسابداری، شماره ۲۰۰.
- ✓ اردکانی، سعید، حدادیان، سیماء، (۱۳۹۲)، اثر مدیریت دانش و وضعیت داخلی بنگاه‌های تولیدی بر رقابت‌پذیری آن‌ها (مطالعه موردی: کارخانه‌های تولیدکننده کاشی و سرامیک استان یزد)، مدیریت، سال ۱۰، شماره ۳۰، صص ۹۱-۱۰۱.
- ✓ اسکینی، ربیعا، (۱۳۹۵)، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، انتشارات سمت.
- ✓ افتخاری، جواد، (۱۳۷۹)، حقوق تجارت (نظری و کاربردی) ورشکستگی و تصفیه امور ورشکستگی، انتشارات ققنوس.
- ✓ پورحیدری، امید، سروستانی، امیر. (۱۳۹۳)، شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات، مجله دانش حسابداری، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۸۹-۱۱۰.
- ✓ پیرایش، رضا، داداشی، حسن، برزگر، محمدرضا، (۱۳۹۶)، ارائه مدل ریاضی پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۱۸۷-۲۰۰.
- ✓ جهانخانی، علی، پارسائیان، علی، (۱۳۸۹)، مدیریت مالی، انتشارات سمت.
- ✓ خادمی‌پور، احمد، برزایی، یونس، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل حاکمیتی مؤثر بر کیفیت افشا و تأثیر رقابت بازار بر رابطه بین آن‌ها، حسابداری مالی، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۲۲-۴۱.
- ✓ رهنمای‌رود پشته، فریدون، نیکومرام، هاشم، شاهوردیانی، شادی، (۱۳۹۰)، مدیریت مالی راهبردی، تهران.
- ✓ زندحسامی، حسام، پورخلیل، نسا، (۱۳۹۳)، تأثیر توانمندی‌های زنجیره تأمین بر توسعه اقتصادی و رقابت‌پذیری کشورهای رو به رشد، مدیریت زنجیره تأمین، دوره ۱۵، شماره ۳۹، صص ۴-۱۳.

- ✓ سرداری، سارا، ابری، محمدحسین، (۱۳۹۵)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان ورشکستگی با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و مهندسی صنایع، تهران.
- ✓ شکور، احمدرضا، اسکندر، هدی، منطقی، خسرو. (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی.
- ✓ صفری، سعید، ابراهیمی، عباس، (۱۳۹۱)، اندازه‌گیری توان رقابتی بانک‌ها در نظام بانکداری ایران، پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۱۶، شماره ۶۴، صص ۱۸۷-۲۲۲.
- ✓ عرفانی، محمود، (۱۳۷۹)، ورشکستگی و تصفیه اموال، نشر جنگل.
- ✓ گلستانی، شهرام، دادار، مصطفی، سیدی، سیدجلال، جعفری، سیدحبيب (۱۳۹۳)، رابطه نرخ مؤثر مالیاتی با سیاست تقسیم سود و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۲، شماره ۷۰، صص ۱۸۱-۲۰۴.
- ✓ مشکی میاوقی، مهدی، هاشمی سعادت، مریم، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه حاکمیت شرکتی با احتمال وقوع ورشکستگی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری، پاسخگویی و منافع جامعه، دوره ۵، شماره ۲، صص ۳۷-۵۸.
- ✓ نصیری، محمد، (۱۳۸۰)، حقوق چندملیتی، انتشارات امیرکبیر.
- ✓ Andres, M. ; Moeinaddin, M. & Sharifabadi, A. M. (2017). The Comparative Investigation of the Ability of Neural Network and the Multiple Discriminant Analysis Models in Predicting the Financial Health of Companies, International Journal of Current Life Sciences. Vol. 4, Issue, 2, pp. 106-112, February, 201.
- ✓ Armstrong, C., Blouin, J., Jagonlizer, A. & Larcker, D. (2016). Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance. Rock Center for Corporate Governance working paper series.
- ✓ Armstrong, C., Jagolinzer, A., & Larcker, D. (2012). Chief executive officer equity incentives and accounting irregularities". Journal of Accounting Research, 48, 225- 271
- ✓ Bruno, F, Geng, R. Bose, I. Chen, X. (2016). Prediction of financial distress: An empirical study of listed Chinese companies using data mining, European Journal of Operational Research, Volume 241, Issue 1, 16 February 2015, Pages 236-247.
- ✓ Chen, M-P., Chen, P-F. & Lee, CH-CH. (2016). Asymmetric effects of investor sentiment on industry stock returns: Panel data evidence.
- ✓ Dyreng, S. D., Hanlon, M. & Maydew, E. L. (2008). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. Working Paper.
- ✓ Hanlon, M., & S. Heitzman. (2012). A review of tax research." Journal of Accounting and Economics, 50 (2-3): 127-178.
- ✓ Jensen, M., & Meckling, W. (1986). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure". Journal of Financial Economics, 3: 305-360.
- ✓ Richardson, A. (2016). The role of liquidity factor in explaining the cross-section of stock returns: New evidence from Tehran Stock Exchange. The Iranian Accounting and Auditing Review, 22(3): 337-362.